

فصلنامه علمی - تخصصی ذر ذری (ادبیات غنایی، عرفانی)
گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد
سال ششم، شماره هجدهم، بهار ۱۳۹۵، ص. ۷-۲۰

نامه‌های عاشقانه در مشهورترین منظومه‌های غنایی ادب فارسی

سمانه جعفری^۱

استادیار دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

چکیده

نامه‌نگاری به زعم بسیاری از بزرگان زبان و ادبیات فارسی یک نوع ادبی مستقل است که به سبب پیشینه درازدامن در ادبیات فارسی از اهمیت بسیاری برخوردار است. علاوه بر مجموعه نامه‌های سیاسی، دیوانی و اخوانیات با ارزش‌های ادبی و تاریخی، در بسیاری از داستان‌های عاشقانه ادب فارسی نیز به سبب دوری عاشق و معشوق، نامه‌هایی با مضامین غنایی وجود دارد. در این مقاله شانزده اثر مشهور ادب غنایی مورد بررسی قرار گرفته و نامه‌های عاشقانه موجود در آن‌ها از نظر ساختار کلی، نحوه شروع و ختم نامه، موضوع‌های مطرح شده در متن نامه، کاتبان، بیک‌ها و برخی موارد دیگر مقایسه و تحلیل شده است. با این مقایسه علاوه بر تبیین نقش نامه‌نگاری در این منظومه‌ها، به میزان توجه شعرای مختلف به این امر و به تبع آن تأثیر و تأثرهای شعرا از یکدیگر نیز اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها:

ادبیات غنایی، منظومه عاشقانه، فن نامه‌نگاری، نامه عاشقانه.

^۱ Samanehjafari101@yahoo.com

مقدمه

نامه و فنّ نگارش آن در ادبیات فارسی از اهمّیت و اسلوب خاصی برخوردارست تا جایی که برخی از صاحب نظران نامه نگاری را از انواع ادبی می‌شمارند. دکتر رزمجو در تعریف این نوع ادبی می‌نویسد: «نامه یا رقعہ که بدان رساله و مکتوب نیز گفته‌اند نوشته‌ای است که کسی خطاب به دیگری نویسد و یا گفتگویی مکتوب میان دو یا چند تن که ضمن آن غیر از مبادلهٔ پیام و یا اظهار دوستی و محبّت گاه مسائل مذهبی، سیاسی، ادبی، علمی و غیره نیز طرح و بحث شود» (رزمجو ۱۳۷۴: ۱۹۱).

این امر در ادبیات فارسی نیز پیشینه‌ای طولانی دارد. «برای دانستن تاریخ نامه‌نگاری، باید ابتدا به تاریخ خط رجوع کرد؛ زیرا مطمئناً نخستین نوشته‌های انسان نامه بوده است. هر پدیده‌ای مولود نیاز است خواه نیاز جسمانی و مادی باشد و خواه روحانی و معنوی، غذای روح باشد یا غذای جسم. پیدایی خط مولود نیاز به نامه‌نگاری است، انسان تا سفر نکرده بود ناچار نبود که برای ادای مقاصد خود که بوسیلهٔ زبان انجام می‌گرفت، جانشین و جایگزینی بیابد» (دانش‌پژوه، ۱۳۷۷: ۱). اما تاریخ مستند نامه‌نگاری به دوران ساسانی (قرن سوم میلادی) می‌رسد، از آن زمان نامه‌هایی اداری به زبان پهلوی به دست آمده که قدیم‌ترین نمونه‌های نامه‌نگاری به حساب می‌آیند. نامه‌نگاری سیاسی نیز در ادبیات پهلوی سابقه‌ای دیرینه دارد؛ برای مثال می‌توان به نامهٔ تنسر یا نامه‌های انوشیروان اشاره کرد. رساله‌ای نیز به نام آیین نامه‌نویسی از اواخر دورهٔ ساسانی در دست است که هدف آن فراهم آوردن الگوهایی برای دبیران بوده شامل آن که در مناسبت‌های گوناگون چگونه نامه بنویسند یا این که آغاز و پایان نامه‌ها در موارد مختلف چگونه باشد (رک. آسانا ۱۳۷۱: ۱۷۲-۱۶۶ و صالحی ۱۳۸۰). مجموعه‌ای نیز شامل نامه‌های دیوانی وجود دارد که برای پی بردن به شیوهٔ نامه‌نگاری دوران ساسانی اهمیت زیادی دارد (رک. تفضلی ۱۳۷۸: ۸۸ و ۱۰۷). علاوه بر این آثار مجموعه نامه‌هایی نیز از زبان سعیدی در دست است (رک. تفضلی ۱۳۷۸: ۳۵۸). تمامی این آثار و همچنین آثاری از نوع منشآت و مکتوبات نشان‌دهندهٔ قدمت و اهمّیت فنّ نامه‌نگاری در ایران است.

اما توجه به نامه‌نگاری در ادبیات فارسی به همین جا ختم نمی‌شود. کتاب‌های دیگری چون «روضه‌المحبین» ابن‌قیم جوزی و «طوق الحمامه» ابن‌حزم آندلسی نیز به عشق و مسائل مربوط به آن به عنوان یک موضوع علمی پرداخته‌اند و در آن از مسائلی چون نامه‌نگاری عاشق و معشوق و آمیختن مرکب نامه با اشک و خون سخن به میان آورده‌اند.

همچنین از قدیم‌الایام کتاب‌هایی برای آموزش فنّ نامه‌نگاری نوشته شده است که تعدادی از آنها به طور خاص به آموزش نامه‌نگاری عاشقانه پرداخته است. «انشای فارسی» عبدالله بن محمد بن محمد شریف و «مراسلات» حافظ نورالله نوشاهی که در قرن سیزدهم تألیف شده از این دست آثارست (رک. منزوی ۱۳۶۵، ج ۵: ۳۸۱ و ۳۸۲ و ۳۹۷). نیز رسالهٔ «پروردهٔ خیال» از محمود میرزا (۱۲۱۴-۱۲۷۱ ه.ق) پسر فتحعلی‌شاه قاجار که در سال ۱۲۴۱ به خواهش تاج‌الدوله تألیف شده و دستور نگارش نامه‌های عاشقانه است. این کتاب در یک مقدمه، نه باب و یک خاتمه تدوین شده و بدان سبب که ابواب آن از مضامین شایع نامه‌های عاشقانه است در بخش‌های بعدی بدان‌ها اشاره خواهد شد.

به هر حال استفاده از قالب نامه برای بیان مضامین و اندیشه‌ها مقولهٔ تازه‌ای نیست و در ادبیات اکثر کشورها نمونه و نظیر دارد. در دنیای امروز نیز نمونه‌هایی جالب از نامه‌نگاری‌های عاشقانه از نویسندگان بزرگی چون گوته و جبران خلیل جبران داریم؛ «زلیخانامه» گوته حاوی نامه‌های شورانگیز وی به ماریان ویلمر است و نامه‌های عاشقانهٔ جبران به ماری هسکل از آثار بسیار معروف است.

از سوی دیگر، نقش منظومه‌های عاشقانه در ادبیات فارسی و به طور خاص، ادب غنایی بسیار پررنگ است؛ داستان‌های زیبایی که همواره با دل و جان ایرانیان مانوس بوده است؛ داستان‌هایی که به شرح دلدادگی عاشق و معشوق پرداخته و از سیاهی شب هجران تا سپیدی صبح وصال را به تصویر کشیده است. اگرچه در برخی از این داستان‌ها صبح وصال هرگز طلوع نمی‌کند، اما درد هجران همواره دامن‌گیر عاشق و معشوق است. از این رو نامه‌نگاری نقش مهمی در روند روایی داستان‌های عاشقانه دارد، چنان‌که «فخرالدین اسعد گرگانی» می‌سراید:

اگرچه عشق سرتاسر زیانست همه رنج تن و درد روانست
 دو شادی هست او را در دو هنگام یکی شادی گه نامه است و پیغام
 دگر شادی دم دیدار دلبر دو شادی بسته با تیمار بی مر

(فخرالدین اسعد گرگانی، ۱۳۷۷: ۴۱۰)

پیشینه تحقیق

منوچهر دانش‌پژوه در سال ۱۳۷۷ کتاب «سیر نامه‌نگاری در ادبیات فارسی» را می‌نویسد و در آن با ذکر مقدمه‌ای در باب پیشینه نامه‌نگاری به لحاظ تاریخی، نمونه‌هایی از انواع نامه می‌آورد. وی مکاتیب فارسی را در قرن شش و هفت به پنج دسته منشور و فرمان، فتح نامه و شکست‌نامه، عهدنامه و سوگندنامه، سلطانیات و اخوانیات تقسیم‌بندی می‌کند. وی نه در اینجا و نه در بحث از ویژگی‌های نامه در قرن‌های دیگر به نامه‌های عاشقانه نمی‌پردازد.

نصرالله صالحی نیز در سال ۱۳۸۰ دست به تدوین «کتابشناسی توصیفی منشآت، مکاتبات و نامه‌ها» زده است، اما در این اثر نیز به نامه‌های عاشقانه پرداخته نشده است.

مهری باقری در «ده‌نامه‌نویسی در ادب فارسی و ده‌نامه شاه شجاع» به ده‌نامه‌ها می‌پردازد و دیدی تاریخی به این مقوله دارد. محبوبه خراسانی نیز در سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ در دو مقاله به بررسی ده‌نامه‌های ادب فارسی پرداخته است. وی در این مقالات ژانر ده‌نامه را تحلیل کرده و به نامه‌های مستقل موجود در منظومه‌های غنایی نپرداخته است.

چنان‌که ملاحظه می‌شود، علی‌رغم اهمیت موضوع نامه‌نگاری تاکنون تحقیق مستقلی در باب نامه‌های عاشقانه موجود در منظومه‌های غنایی صورت نپذیرفته است و پژوهشگرانی که در این عرصه وارد شده‌اند اغلب به مبحث ده‌نامه‌ها پرداخته‌اند و یا فن نامه‌نگاری دیوانی و سیاسی را مورد بررسی قرار داده‌اند. از این رو در این مقاله کوشیده‌ایم تا نتایج حاصل از بررسی کمی و محتوایی نامه‌های عاشقانه موجود در منظومه‌های غنایی مشهور ادب فارسی را به علاقه‌مندان این مبحث ارائه کنیم. بدیهی است تعداد زیاد این منظومه‌ها ما را مجبور به گزینش برخی از آثار ساخت و به سبب اهمیت خط سیر تاریخی به جهت تحلیل تأثیرگذاری برخی از منظومه‌ها بر آثار پس از خود اعمال محدودیت زمانی در جامعه آماری این نوشته، ناکارآمد می‌نمود. پس بر آن شدیم تا موارد مطالعه را با شاخص اهمیت و اشتها، گزینش کنیم. از این رو، نامه‌های عاشقانه‌شانزده اثر برجسته ذیل را بررسی نمودیم:

«ویس و رامین» اثر «فخرالدین اسعد گرگانی» شاعر قرن پنجم هجری؛ پیشینه این داستان به دوران اشکانی می‌رسد و اصلی پارتی دارد. نخستین بار در این کتاب از «ده‌نامه» یاد شده و روش فخرالدین اسعد در سرودن ده‌نامه‌های این اثر منشأ تأثیرات بسیاری در ده‌نامه‌نویسی در ادب فارسی شده است (رک. خراسانی ۱۳۸۹). همچنین نظر دکتر محبوب و دکتر صفا مبنی بر رعایت اصل داستان و حفظ معانی بدون حذف یا افزودن حادثه یا مضمونی به داستان ما را به این نتیجه می‌رساند

که احتمالاً سابقه ده‌نامه‌ها به دوران اشکانی می‌رسد و اصولاً نامه‌نگاری در این دوره از اهمیت بسزایی برخوردار بوده، هرچند ادله متقنی برای اثبات این مطلب وجود ندارد (رک. فخرالدین اسعد گرگانی ۱۳۳۷: ۲۱ و نیز صفا ۱۳۵۲، ج ۲: ۳۷۵). «خسرو و شیرین» و «لیلی و مجنون» اثر «حکیم ابومحمد الیاس بن یوسف نظامی گنجوی» از شاعران قرن ششم و چند سال نخست قرن هفتم که به حق از استادان بزرگ سخن و از ارکان شعر فارسی است که در دوره‌های بعد منظومه‌های غنایی بسیاری به تقلید از منظومه‌های او سروده شده است.

«شیرین و خسرو» و «مجنون و لیلی»، اثر «امیر ناصرالدین خسرو بن امیر سیف‌الدین محمود دهلوی» از عارفان و شاعران پارسی‌گوی هندوستان در نیمه دوم قرن هفتم و آغاز قرن هشتم که به تقلید از «خسرو و شیرین» و «لیلی و مجنون» نظامی سروده شده است.

«همای و همایون» و «گل و نروز» از «کمال‌الدین ابوالعطا محمود بن علی بن محمود مرشدی کرمانی» معروف به «خواجوی کرمانی» که عارف و شاعر بزرگ ایران در قرن هشتم و ملقب به القاب «نخلبند شعرا» و «خلّاق المعانی» است. «همای و همایون» داستان عشق همایون با همای، دختر فغفور چین، است که در سال ۷۳۲ هجری سروده شده است. این شاعر حدوداً ده سال بعد مثنوی «گل و نروز» را نیز سرود. ظاهراً وی این منظومه را که به بیان دلدادگی شاهزاده‌ای به نام نروز با گل - دختر پادشاه روم - می‌پردازد، در برابر «خسرو و شیرین» نظامی سروده است.

«جمشید و خورشید» اثر ملک‌الشعرا «خواجه جمال‌الدین سلمان بن خواجه علاء‌الدین» معروف به «سلمان ساوجی» از شاعران قرن هشتم هجری. این مثنوی داستان عشق و دلدادگی جمشید، پسر فغفور چین، با خورشید، دختر قیصر روم، است که در سال ۷۵۳ هجری سروده شده است.

«یوسف و زلیخا» و «لیلی و مجنون» اثر «نورالدین عبدالرحمن بن نظام‌الدین احمد بن جامی»، خاتم‌الشعرا قرن نهم هجری.

«دستور عشاق» اثر «یحیی سبیک فتاحی نیشابوری» از شاعران و نویسندگان معروف قرن نهم هجری. وی این مثنوی را در سال ۸۴۰ هجری سرود و در آن داستان عشق «دل» به «حسن» را به نظم کشید. خود شاعر مدتی بعد خلاصه این منظومه را به نام «حسن و دل» در نثری مسجع تحریر کرد.

«لیلی و مجنون» از «مکتبی شیرازی» از شاعران قرن نهم و دهم هجری.

«فرهاد و شیرین» و «ناظر و منظور» از «کمال‌الدین محمد وحشی بافقی» شاعر نام‌آور قرن دهم در ایران و هند. مثنوی «فرهاد و شیرین» وی از منظومه‌های زیبایی است که اگرچه به تقلید از نظامی سروده شده، به سبب تمرکز بر عشق فرهاد از تازگی‌هایی برخوردار است. البته وحشی موفق به اتمام این مثنوی نشد و پس از او وصال شیرازی و صابر هر کدام ۱۲۵۱ و ۳۰۴ بیت بر آن افزودند.

«شیرین و خسرو» عبدالله هاتفی از مثنوی‌سرایان متوسط عهد تیموری و آغاز صفوی. وی از خویشان نزدیک جامی و به بیان برخی تذکره‌ها، خواهرزاده وی بوده است. تذکره‌نویسان علاوه بر اثر نام برده شده، آثار دیگری چون «لیلی و مجنون»، «هفت‌منظر» و «تمرنامه» را نیز بدو نسبت داده‌اند. اثر اخیر در مجالس‌النفایس با عنوان «ظفرنامه» آورده شده است و شاهنامه‌ای است در ذکر فتوحات شاه اسماعیل صفوی.

«ورقه و گلشاه» اثر عیوقی

مطالعات اولیه نشان داد که در چهار مورد از این آثار، نامه عاشقانه‌ای نیامده است. یکی از این منظومه‌ها «ورقه و گلشاه» عیوقی است که با وجود دوری عاشق و معشوق در طول داستان میان آن دو نامه‌ای رد و بدل نشده است. در منظومه‌های «گل و نوروز»، «همای و همایون» و «یوسف و زلیخا»ی جامی نیز نامه عاشقانه‌ای وجود ندارد. در مرحله بعد، نامه‌های عاشقانه دوازده اثر دیگر از جهات مختلف با دقت مورد بررسی قرار گرفت و پژوهش حاضر بر پایه نتایج به دست آمده تدوین یافت. همچنین برای سهولت در تدوین جدول‌ها و اختصار بیشتر، از نشانه‌های اختصاری ذیل استفاده شد:

خ: خسرو و شیرین

ش: شیرین و خسرو

ف: فرهاد و شیرین

ل: لیلی و مجنون

م: مجنون و لیلی

۱. تعداد و طول نامه‌های عاشقانه

طبیعتاً ابتدایی‌ترین مسأله‌ای که در بررسی آثار مذکور جلب توجه می‌کند، تعداد نامه‌ها در هر یک از آثار و نیز تعداد ابیات هر نامه است. در میان منظومه‌های عاشقانه مورد مطالعه، «ویس و رامین» بیش‌ترین تعداد نامه را دارد. این اثر که یک داستان کهن ایرانی است، با اشمال بر چهار نامه که بین «ویس» و «رامین» رد و بدل می‌گردد، بسیار قابل توجه است؛ چه از یک رو رواج نامه‌نگاری و کتابت در دوران اشکانی و ساسانی را می‌رساند و از سوی دیگر، نشان‌دهنده اهمیت این مطلب در عصر «فخرالدین اسعد گرگانی» است. مسأله‌ای که برهانی روشن بر تعالی تمدن ایران در اعصار پیشین است و متأسفانه در آثار داستان‌سرایان بعدی کمرنگ می‌شود.

نیز چنان‌که پیش‌تر بدان اشاره شد، ده‌نامه ویس به رامین در میان ده نامه‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ چه ظاهراً نخستین باری است که عنوان ده‌نامه مطرح می‌شود و دیگر آن که این ده نامه در دل یک منظومه عاشقانه قرار دارد و مثل سایر ده‌نامه‌های موجود، یک اثر مستقل نیست.

از نظر محتوایی، عشقی که در نامه‌های این اثر توصیف می‌شود، عشقی است ساده، جسمانی و طبیعی که در عناوین ذیل مطرح شده است: در صفت آرزومندی و درد جدایی، دوست را به یاد داشتن و خیالش را به خواب دیدن، اندر بدل جستن به دوست، خشنودی نمودن از فراق و امید بستن به وصال، اندر جفا بردن از دوست، اندر نواختن و خواندن دوست، اندر گریستن به جدایی و نالیدن به تنهایی، اندر خبر دوست پرسیدن، در شرح زاری نمودن، اندر دعا کردن و دیدار دوست خواستن.

اما مثنوی «ناظر و منظور» کم‌ترین تعداد نامه را در خود دارد. تنها نامه مندرج در این اثر از جانب ناظر به منظور نوشته شده که با خطاب به معشوق و وصف او آغاز می‌گردد و به تهدید او به مرگ خود، در ۴۹ بیت به اتمام می‌رسد. در میان تمامی این آثار، این تنها نامه‌ای است که بی‌جواب می‌ماند.

از میان آثار بررسی‌شده، بلندترین نامه در «لیلی و مجنون» نظامی به چشم می‌خورد که از جانب مجنون به لیلی نوشته شده است. این نامه که با نام خدا آغاز می‌شود و با ذکر حال زار خود به دعا برای خوشبختی یار می‌انجامد، بیش از صد بیت از این منظومه نظامی را به خود اختصاص داده است. نظامی در این اثر که به اقرار شخص شاعر، به علت عربی‌الاصل

بودن داستان از نظر عناصر بزمی قابل توصیف، چندان غنی نیست، از این فرصت استفاده کرده و با توجه به شخصیت قیس بنی عامر که شاعری مجنون صفت و اهل ادب است، مجال را در شرح نامه او به لیلی فراخ می‌بیند و افسار سخن را به دست مجنون دل‌افگار می‌سپارد تا در نامه‌ای طولانی شرح شیفتگی خود باز گوید و یار را از گله و شکایت و غضب و بی‌مهری باز دارد.

کوتاه‌ترین نامه‌ها نیز در «خسرو و شیرین» هاتفی آمده است. او نامه خسرو به شیرین را در بیست و چهار بیت در تعزیت خسرو به شیرین در مرگ فرهاد سروده و به دعا برای بقای شیرین ختم نموده است.

جدول زیر نشان‌دهنده تعداد نامه‌های هر اثر و نگارنده و مخاطب هر نامه است. چنان که مشاهده می‌شود، در بیشتر کتاب‌ها تنها دو نامه وجود دارد که البته تأثیر نظامی در این امر بسیار قابل توجه است؛ چه بیشتر این آثار به تقلید از «خسرو و شیرین» و «لیلی و مجنون» او نگاشته شده است و سرایندگان آنها در تعداد نامه‌ها نیز مقلد نظامی بوده‌اند. تنها هاتفی در «شیرین و خسرو» خویش تعداد نامه‌ها را افزایش داده است.

نکته دیگر آن که در همه داستان‌ها به غیر از لیلی و مجنون، اولین نامه از جانب عاشق (مرد) به معشوق (زن) نوشته شده است، اما در اغلب موارد نامه معشوق (زن) به عاشق (مرد) طولانی‌تر است. این امر یک مسأله کاملاً منطقی و فرهنگی است؛ چرا که در فرهنگ ما شروع برقراری رابطه عاشقانه به سبب هنجارهای حاکم و شرم و حیای زنانه همواره از جانب مرد بوده، اما میل بیشتر زن به بیان احساسات و سخن گفتن با مرد نامه‌های زنان را طولانی‌تر ساخته است.

تنها مورد متناقض در این امر در منظومه «لیلی و مجنون» نظامی و تمامی آثاری که از آن تقلید نموده‌اند، به چشم می‌خورد. البته این تناقض قابل توجیه و مستدل است و خدش‌های بر استادی مسلم نظامی وارد نمی‌کند؛ زیرا عاشق این داستان، شخصیتی چون مجنون است. کسی که آنچنان شیفته است که نمی‌توان از او رفتاری منطقی و متناسب با هنجارهای معمول را انتظار داشت. پس نامه نوشتن به یار به سبب عشق عذری وی و نیز شوی داشتن لیلی قابل توجیه است. از سوی دیگر، پس از رسیدن خبر از جانب لیلی به سبب ذوق شاعرانه و توان سخنوری، طبیعتاً نامه‌اش از نامه معشوق طولانی‌تر شده است.

عنوان اثر	تعداد نامه	عنوان نامه‌ها
ویس و رامین	۴	نامه رامین به ویس (۲ بار)، ویس به رامین (۲ بار) + ده نامه
خسرو و شیرین نظامی	۲	خسرو به شیرین، شیرین به خسرو
لیلی و مجنون نظامی	۲	لیلی به مجنون، مجنون به لیلی
شیرین و خسرو امیر خسرو دهلوی	۲	خسرو به شیرین، شیرین به خسرو
مجنون و لیلی امیر خسرو دهلوی	۲	لیلی به مجنون، مجنون به لیلی
جمشید و خورشید	۲	جمشید به خورشید، خورشید به جمشید
لیلی و مجنون جامی	۲	لیلی به مجنون، مجنون به لیلی
دستور عشاق	۲	حسن به دل، دل به حسن
شیرین و خسرو هاتفی	۳	شیرین به خسرو، خسرو به شیرین، شیرین به خسرو
لیلی و مجنون مکتبی	۲	لیلی به مجنون، مجنون به لیلی
فرهاد و شیرین وحشی بافقی	۲	خسرو به شیرین، شیرین به خسرو
ناظر و منظور	۱	ناظر به منظور

جدول (۱): آثار و تعداد نامه‌ها به تفکیک فرستنده و گیرنده

عنوان اثر	تعداد کل ابیات نامه	آغاز نامه	پایان نامه
ویس و رامین	۲۵۷	متن نامه بی مقدمه	بی نیازی از معشوق
نامه رامین به ویس	۵۶	نام خدا و یاد مهر و پیوند	دعا برای سلامت یار بی وفا
ویس به رامین + ده نامه	۸۷	نام معشوق	درود
رامین به ویس	۴۳	دعا برای تأثیر نامه	دعا برای زنده ماندن خود برای دیدار یار
ویس به رامین	۷۱		
خسرو و شیرین نظامی	۸۷	نام خداوند و وصف او	دعا به جان یار
نامه خسرو به شیرین	۳۵	نام خداوند و وصف او	دعا به جان یار
شیرین به خسرو	۵۲		
لیلی و مجنون نظامی	۱۷۴	نام خداوند و وصف او	دعا به جان یار
نامه لیلی به مجنون	۵۹	نام خداوند و وصف او	دعا برای یار درمقابل وصف بدبختی خود
مجنون به لیلی	۱۱۵		
شیرین و خسرو	۱۵۵	نام خداوند و وصف او	تفویض امر خود به معشوق
امیرخسرو	۶۹	نام خداوند و وصف او	اقرار به این که نمی‌شود با قضا جنگید
نامه خسرو به شیرین	۸۶		
شیرین به خسرو			
مجنون و لیلی امیرخسرو	۱۸۶	نام خداوند و وصف او	دعا برای عاشق ماندن خود تا ابد
نامه لیلی به مجنون	۸۸	نام خداوند و وصف او	طلب رحم و مروت از یار
مجنون به لیلی	۹۸		
جمشید و خورشید	۷۴	نام خداوند و وصف او	طلب درمان و چاره از یار
نامه جمشید به خورشید	۲۹	نام خداوند و وصف او	طلب وفاداری عاشق
خورشید به جمشید	۴۵		
لیلی و مجنون جامی	۱۰۸	نام خداوند و وصف او	خوش داشتن مرگ شوی و وصال
نامه لیلی به مجنون	۴۳	نام خداوند و وصف او	دعا برای بقا و کامیابی یار
مجنون به لیلی	۶۵		
دستور عشاق	۱۰۱	سلام	دعا برای رسیدن به وصال
نامه حسن به دل	۵۷	درود بر پیک نامه رسان	دعا برای رسیدن به وصال
دل به حسن	۴۴		
خسرو و شیرین هاتفی	۷۹	عرض نیاز و عذر بسیار	ند دادن به پرهیز از اندوه مرگ پدر
نامه شیرین به خسرو	۲۵	حمد و ثنای خداوند	دعا برای بقای شیرین
خسرو به شیرین	۲۴	وصف یار	طلب دست برداشتن خسرو از آزار
شیرین به خسرو	۳۰		
لیلی و مجنون مکتبی	۷۲	نام خداوند و وصف او	آرزوی مصاحبت یار
نامه لیلی به مجنون	۳۲+ غزل	نام خداوند و وصف او	طلب یار درعین فروتنی و اقرار به کم ارزشی خود
مجنون به لیلی	۴۰+ غزل		
فرهاد و شیرین وحشی	۱۳۴	نام خداوند و وصف او	تحذیر شیرین از رسوایی
نامه خسرو به شیرین	۷۱	نام خداوند و وصف او	رطب خورده منع رطب کی کند!؟
شیرین به خسرو	۶۳		
ناظر و منظور	۴۹	خطاب قرار دادن یار و وصف او	تهدید یار به مرگ خود و واگذاری تصمیم نهایی به او
نامه ناظر به منظور	۴۹		

۲. آغاز و انجام نامه‌های عاشقانه

هر نامه از لحاظ صوری به سه بخش تقسیم می‌شود: عنوان نامه یا مطلع آن، تنه یا متن اصلی و بخش پایانی که اغلب کتب نامه‌نگاری این بخش را شامل عبارات تکریم‌آمیز و دعاگونه دانسته‌اند (رک. رزمجو، ۱۳۷۴: ۱۹۲).

چنان که در جدول ذیل مشاهده می‌شود، از بیست و شش نامه عاشقانه مندرج در این آثار، هفده نامه با «نام خداوند و وصف او» آغاز می‌شود. البته آغاز نامه با نام خداوند یک امر بدیهی و مرسوم است و توجیه اعتقادی دارد، اما با نگاهی دقیق‌تر متوجه می‌شویم که این مطلب در نامه‌های «خسرو و شیرین» و «لیلی و مجنون» نظامی و آثار مقلدان او بیش از سایر آثار رواج دارد. شاید بتوان نتیجه گرفت که مقلدان نظامی در این مورد نیز تحت تأثیر این شاعر زاهد مسلک بوده‌اند. این بار نیز تنها شاعری که خود را از بند تقلید می‌رهاند، هاتفی است. او یکی از نامه‌های منظومه خویش را با «وصف یار» و دیگری را با «عرض نیاز و عذر بسیار» آغاز می‌کند. در دو مورد دیگر از نامه‌های «ویس و رامین» و «ناظر و منظور» هم نامه با «مخاطب قرار دادن یار و وصف او» آغاز می‌شود.

اما علی‌رغم آنچه در کتب نامه‌نگاری و نیز انواع ادبی آمده، شباهت بسیاری در انجام نامه‌ها به چشم نمی‌خورد؛ مضامین پایانی نامه‌ها متعدد و متنوع‌تر است. تنها هفت مورد از نامه‌های به دست آمده با «دعا به جان یار برای سلامت و بقای او» پایان می‌پذیرد و در سه مورد نیز «آرزوی وصال و مصاحبت با یار» پایان‌بخش نامه است.

۳. مضامین مطرح شده در نامه‌ها

در بسیاری از کتب نوشته شده در فن نامه‌نگاری به مضامین معمول نامه‌های عاشقانه اشاره شده است. برای مثال در فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ابواب رساله «پرورده خیال» چنین ثبت شده است:

۱. «در عشق و اشتداد محبت» شامل پنج نامه با عناوین «اشتعال نایره فراق»، «شبان تنهایی»، «بی‌تابی در محبت»، «غم خواری و بی‌کسی» و «طلب مرگ از کثرت اندوه»؛
۲. «در مهاجرت مطلوب» شامل پنج نامه با عناوین «سرزنش رقیبان»، «شرح حال خود با معشوق»، «فغان و زاری»، «حسرت و بی‌قراری از بی‌خبری از معشوق» و «شرح حال خود با صبا»؛
۳. «گله از معشوق» شامل پنج نامه با عناوین «چرا مرا به شکار نبردی»، «چرا جواب نامه‌ام ننوشتی»، «چرا فلان را نوازش کردی»، «چرا احوال مرا نپرسیدی» و «چرا به تماشای باغ رفتی و مرا نبردی»؛
۴. «در تعریف ایام وصال و تأسف از آن» شامل پنج نامه با عناوین «رازگویی‌های خود با معشوق»، «رفتن به باغ و گلستان»، «از گفته من بیرون نبودی»، «چرا مرا دیدی که چنان و چنینم اما مفارقت کردی» و «حسرت که وقتی چنان و چنین بودیم»؛
۵. «در بیماری معشوق» شامل پنج نامه با عناوین «رسیدن خبر بیماری و مغموم شدن»، «طلب درد معشوق برای خود»، «چرا از بنفشه زلف و عناب لب دوا نمی‌کنی»، «مناجات با خدا در طلب شفای معشوق» و «شکرگزاری از شفای معشوق»؛
۶. «در رسیدن خبر بیماری عاشق» شامل پنج نامه با عناوین «تو را گفتند: فلان بیمار است، خیرم نپرسیدی»، «در ضعف و بیماری»، «در جواب کردن همه طبیبان»، «طلب ترحم بر زبردستان» و «در وصیت‌ها»؛
۷. «در پنهانی رفتن به کوی معشوق در شبها» شامل پنج نامه با عناوین «گوش دادن به شکایت کسانی غیر از عاشق»، «گفتن راز عاشق به غیر»، «غفلت از عاشق و اشتغال به غیر»، «نمودن آنچه عاشق به او داده به غیر» و «بی‌التفات به عاشق در بزم»؛

۸. «در یار تازه گرفتن معشوق» شامل پنج نامه با عناوین «تبریک یار نو»، «شکایت از بی‌وفایی»، «فراموش کردن خدمت‌های پیشین عاشق»، «نوازش‌های یار نو در نزد عاشق» و «انعام و بخشش به یار نو»؛
۹. «در نوازش عاشق» شامل پنج نامه با عناوین «شکرگزاری از رأفت‌ها و احوال‌پرسی»، «شکرگزاری از بخشش‌ها و ارمغان‌ها»، «خبر رسیدن نامه او»، «شکرگزاری از خار کردن مدعی» و «خبر کردن او برای رفتن به باغ» (دانش‌پژوه، ۱۳۴۰: ۳۶۴۴-۳۶۴۶/۱۴).

این مضامین تقریباً اعمّ موضوعات مطرح شده در این کتب است اما ظاهراً آنچه در این آثار آمده، حاصل بررسی دقیق نامه‌های عاشقانه منظومه‌های غنایی نیست یا لاقلاً دوره زمانی نزدیک به مؤلف را مدّ نظر دارد و یا شاید برجسته‌ترین و مشهورترین آثار را به گزین نموده است.

البته از دو منظر می‌توان بسامد این مضامین را بررسی نمود؛ نخست آن که هر موضوعی در چند بیت مطرح شده و به طور کلی چه میزان از همه نامه‌های مورد نظر به آن مطلب اختصاص یافته است و نکته دیگر آن که صرف نظر از تعداد ابیات اختصاص یافته به آن موضوع، کدام موضوعات در نامه‌های بیشتر و به تبع آن در آثار بیشتری نمود یافته است. برای مثال پر بسامدترین موضوع مطرح شده در نامه‌های عاشقانه از نظر تعداد ابیات «شرح حال زار عاشق» است اما از نظر رواج موضوع در آثار مختلف «وصف یار» بسامد بالاتری دارد. در جدول ذیل که با توجه به هر دو مطلب تنظیم شده است، این که هر موضوع در چند بیت و در چه آثاری به چه میزان مطرح شده، مشخص می‌گردد.

موضوعات مطرح شده در نامه‌ها	تعداد ابیات	منظومه‌هایی که این موضوع در نامه‌هایشان آمده
شرح حال زار خود	۲۹۳	حسن و دل (۸۱) م. امیرخسرو (۷۹) ویس و رامین (۴۱) ل. مکتبی (۲۷) ناظر و منظور (۲۱) ش. امیرخسرو (۲۷) ل. جامی (۳)
توجیه بی‌وفایی خود و متهم ساختن طرف مقابل و پاسخ او به این اتهام	۱۴۶	ش. امیرخسرو (۴۶) ویس و رامین (۴۱) ف. وحشی (۴۰) ش. هاتفی (۱۱) خ. نظامی (۸)
شروع نامه با نام خدا و وصف او	۱۰۲	ف. وحشی (۱۹) م. امیرخسرو (۱۶) خ. نظامی (۱۴) ل. مکتبی (۱۴) ش. امیرخسرو (۱۳) ل. جامی (۱۳) ل. نظامی (۱۲) ویس و رامین (۱)
وصف یار	۶۳	ل. جامی (۱۹) ل. نظامی (۱۷) ل. مکتبی (۷) ف. وحشی (۷) ویس و رامین (۷) جمشید و خورشید (۴) خ. هاتفی (۱) ناظر و منظور (۱) خ. نظامی (۱)
بی‌اهمیت نشان دادن مرگ رقیب	۵۰	خ. نظامی (۴۰) خ. هاتفی (۱۰)
شکوه از غدر یار و اثبات وفای خود	۴۸	ل. جامی (۱۵) ش. امیرخسرو (۱۰) ل. مکتبی (۱۰) ف. وحشی (۸) م. امیرخسرو (۵)
وصف متقابل خود و یار به صورت «نامه ای از فلانی به فلانی»	۴۴	ویس و رامین (۲۷) حسن و دل (۵) ل. نظامی (۵) م. امیرخسرو (۴) ل. جامی (۲) ف. وحشی (۱)
اقرار به حسادت به نزدیکان معشوق	۴۲	ل. جامی (۲۸) ل. نظامی (۱۴)
احوال‌پرسی از یار در فراق خود	۴۱	م. امیرخسرو (۱۵) ناظر و منظور (۹) جمشید و خورشید (۷) ل. جامی (۶) ل. مکتبی (۳) ل. نظامی (۱)
طلب پرهیز از آزار و فریب	۳۱	ش. هاتفی (۱۳) م. امیرخسرو (۱۰) ل. نظامی (۴) ش. امیرخسرو (۲)
وصف نامه یار و شادی خود	۳۰	ش. امیرخسرو (۱۵) حسن و دل (۱۰) ل. جامی (۵)
اعتراف به دست برداشتن از معشوق	۳۰	م. امیرخسرو (۳۰)
دعا برای بقای یار	۲۴	ل. نظامی (۹) ش. هاتفی (۶) ویس و رامین (۴) ل. جامی (۳) خ. نظامی (۲) م. امیرخسرو (۱)
شرح اشتیاق دیدار	۲۴	ویس و رامین (۲۱) جمشید و خورشید (۲) ل. مکتبی (۱)
دعوت به صبر و آرامش و تعزیت یار	۲۴	ل. نظامی (۱۳) ش. هاتفی (۱۱)

گله از یار و تذریر او از بی مهری	۲۴	ل. نظامی (۲۴)
بیان امتیازات خود بر رقیب	۲۱	ف. وحشی (۱۰) ویس و رامین (۵) ش. امیر خسرو (۳) ش. هاتفی (۳)
وصف آرزوی وصال	۲۰	ل. نظامی (۷) ناظر و منظور (۷) ویس و رامین (۳) حسن و دل (۳)
یاد خاطرات گذشته	۱۹	جمشید و خورشید (۱۱) ناظر و منظور (۶) حسن و دل (۲)
اظهار همدردی با یار	۱۹	ش. هاتفی (۱۲) ل. نظامی (۷)
قول وفاداری و طلب نسیان بی وفایی	۱۸	ویس و رامین (۱۸)
وصف بی وفایی دنیا	۱۷	خ. نظامی (۱۲) ویس و رامین (۵)
بیان توقع کم خود از معشوق	۱۷	ل. نظامی (۱۷)
مقایسه حال خود با حال خوش یار	۱۶	ل. جامی (۹) ل. نظامی (۴) ویس و رامین (۳)
طلب یادی یا نامی از خود در مجلس بزم یار با دیگران	۱۵	ش. امیر خسرو (۹) م. امیر خسرو (۶)
رضایت به خوشی یار حتی با دیگری	۱۳	م. امیر خسرو (۷) ل. جامی (۶)
تهدید به بی فایده بودن پشیمانی	۱۳	ویس و رامین (۱۳)
مقصر دانستن قضای آسمانی	۹	ش. امیر خسرو (۹)
ترک از یار به شرط تمایل او	۸	ش. امیر خسرو (۸)
ابراز طاقت تحمل سختیها	۸	م. امیر خسرو (۸)
ابراز نگرانی از نرسیدن به وصال	۸	ل. نظامی (۸)
یار زیبا بی عاشق نمی ماند	۷	ش. امیر خسرو (۷)
درود و آفرین بر معشوق	۴	جمشید و خورشید (۲) ویس و رامین (۲)
اظهار فروتنی (با شکوه) در برابر یار	۴	ل. مکتبی (۴)
دعا برای نابودی بدخواهان یار	۳	ل. نظامی (۳)
تفویض امر خود به یار و اختیار او	۲	ش. امیر خسرو (۱) ناظر و منظور (۱)

جدول (۳): مضامین مطرح شده در نامه‌ها

۴. کاتبان نامه‌ها

در داستان «ویس و رامین»، رامین نامه‌هایش را به دست خود می‌نویسد، اما کاتب نامه ویس، «مشکین» نام دارد. در آثار بررسی شده این، تنها موردی است که نام کاتب ذکر می‌گردد. شاید این بار هم شاعر با غرض بلاغی و تنها برای بهره بردن از جناس بین این نام خاص و لفظ «مشکین» به معنی معطر به مشک، آن را در متن کلام آورده است.

در داستان‌های نظامی و آنچه به تقلید از آنها نوشته شده، نامه‌های عاشقانه داستان «لیلی و مجنون» به دست خود لیلی و مجنون نگاشته می‌شود، اما در داستان شاهانه‌ای چون «خسرو و شیرین» که در فضایی درباری جریان دارد و یک طرف رابطه عاشقانه، پادشاه ایران است، عموماً نگارنده نامه‌های خسرو، دبیر خاص است ولی شیرین گاه نامه‌هایش را خود می‌نویسد. در داستان «جمشید و خورشید» نیز با این که جمشید شاهزاده است خود به نوشتن نامه برای خورشید می‌پردازد. در دیگر آثار مورد مطالعه نیز اشاره‌ای به کاتب نامه نشده است.

۵. پیک‌های نامه‌ها

در این مقال، منظور ما از پیک یا قاصد دقیقاً کسانی هستند که نامه مکتوب را از فرستنده به گیرنده می‌رسانند و نه اشخاصی چون شاپور که در داستان، واسطه آشنایی یا ادامه رابطه بین عاشق و معشوق هستند و پیغام شفاهی آن دو را به

یکدیگر می‌رسانند و یا نکیسا و باربد که در قصر شیرین با غزل‌سرایی از زبان شیرین و خسرو به نحوی پیغام‌رسانی می‌کنند.

در داستان «ویس و رامین» نامه رامین را عمارت‌دارش به دست ویس می‌رساند و پیک ویس شخصی «آذین» نام است که پاسخ نامه را نیز از جانب رامین به ویس باز می‌گرداند. اما قاصد آخرین نامه ویس به رامین، یکی از نزدیکان اوست که شاعر نامی از او نمی‌برد.

در منظومه‌های نظامی و مقلدانش در تمامی «لیلی و مجنون»ها پیک نامه لیلی رهگذری است که مجنون را در بیابان دیده است و با او آشنایی دارد و متعهد می‌شود که نامه لیلی را به دست مجنون برساند، اما در هیچ یک از «خسرو و شیرین»ها شاید به تقلید از نظامی نامی از قاصد برده نشده است. در منظومه «جمشید و خورشید» پیک‌های نامه جمشید به خورشید، «شکر» و «شهناز» هستند که پاسخ نامه را نیز باز می‌گردانند و در داستان سمبلیک «حسن و دل» نیز پیک نامه‌بر، «خیال» است. از نظر پیک و قاصد، ده‌نامه‌ها خلاقانه‌تر هستند؛ در برخی نمونه‌های آن نظیر محبوب‌القلوب و محبت‌نامه پیک‌ها عبارتند از: ماه، خورشید، شمع، گل، پروانه، بلبل، آب، باد شمال، باد صبا، آینه و شانه.

۶. نقش حکمت در نامه‌های عاشقانه

همان‌طور که می‌دانیم، بزرگان ادب ما همواره در آثار خویش به پند و اندرز توجه بسیار داشته‌اند. این امر در نامه‌ها و مکتوبات ایشان نیز نمود یافته است؛ تا جایی که کریستین سن در باب نامه‌نگاری در دوره ساسانی می‌نویسد: «اسناد خصوصی و نامه‌های خصوصی همیشه می‌بایست به صورت مصنوع و سبک مقرر تحریر گردد. در این نامه‌ها نقل قول بزرگان و نصایح اخلاقی و پندهای دینی و اشعار و لطایف و امثال آن وارد می‌شد» (کریستین سن، ۱۳۸۴: ۹۴). بخشی از این اندرزهای ارزشمند در نامه‌های عاشقانه مطرح شده است. در برخی از این نامه‌ها عاشق و معشوق علاوه بر شرح دل‌تنگی‌های خویش و ابراز محبت به طرف مقابل، به حکمت رو می‌آورند و به مسائل ارزشمندی اشاره می‌کنند. یکی از این موضوعات فراگیر، آمیختگی غم و شادی و سختی و آسایش در دنیاست و این که پس از هر سختی گشایشی هست، پس انسان خردمند باید با گل و خار دنیا بسازد:

چنین است ای حبیب احوال عالم گهی شادی نماید گاه ماتم

مخور آنده که اندوهت ز عسرت که در پیش و پس عسری دو یسرست

(سلمان ساوجی ۱۳۴۸: ۱۱۶)

موضوع پربسامد دیگر مسأله مرگ است و این که جز خداوند هیچ کس جاودانه نمی‌ماند و مرگ همگان را در کام خود فرو خواهد برد:

به نیک و بد جهان بر ما سر آید و زان پس خود جهان دیگر آید

ز ما ماند به گیتی در فسانه در آن گیتی خدای جاودانه

(فخرالدین اسعد گرگانی، ۱۳۳۷: ۳۴۸)

علاوه بر این موضوعات حکمت‌آمیز دیگری نیز در این نامه‌ها مطرح شده است که در جدول ذیل به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد.

آثار	تعداد ابیات	موضوعات حکمی مطرح شده
جمشید و خورشید (۳)، ل. نظامی (۳)، خ. نظامی (۵)	۱۱	آمیختگی غم و شادی در دنیا
ش. هاتفی (۸)، ویس و رامین (۲)، خ. نظامی (۱)	۱۱	حتمیت مرگ
م. امیر خسرو (۶)	۶	مذمت ستم و ستمکاری
ل. جامی (۶)	۶	بدگمانی عاشق
ش. هاتفی (۵)	۵	عسی آن تکرهوا شیناً و هو خیر لکم
ل. جامی (۴)	۴	عشق از طلب مراد دور است
ل. نظامی (۳)	۳	کوتاهی عمر
ل. نظامی (۲)	۲	پرهیز از غمی که دشمن را شاد می کند

جدول (۴): موضوعات حکمی نامه‌های عاشقانه

نتیجه‌گیری

نقش مهم نامه‌های عاشقانه در داستان‌های غنایی بر کسی پوشیده نیست، اما با وجود اهمیت بسیار این مسأله تحقیق جدی‌ای در تبیین ساختار کمی و محتوایی این نامه‌ها صورت نگرفته بود. این پژوهش با بررسی تعدادی از برجسته‌ترین آثار غنایی ادب فارسی از این منظر و با طبقه‌بندی تعداد ابیات و نیز موضوعات مطرح شده در آغاز، انجام و متن این نامه‌ها به نتایجی دست یافته است که در این بخش به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. در میان منظومه‌های عاشقانه مورد مطالعه «ویس و رامین» بیشترین و مثنوی «ناظر و منظور» نیز کم‌ترین تعداد نامه را در خود دارد.
۲. بلندترین نامه در «لیلی و مجنون» نظامی و کوتاه‌ترین نامه در «خسرو و شیرین» هاتفی آمده است.
۳. در همه داستانها به غیر از لیلی و مجنون، نخستین نامه از جانب عاشق (مرد) به معشوق (زن) است، اما در اغلب موارد، نامه معشوق (زن) به عاشق (مرد) طولانی‌تر است.
۴. از بیست و شش نامه عاشقانه مندرج در این آثار، هفده نامه با «نام خداوند و وصف او» آغاز می‌شود، اما مضامین پایانی نامه‌ها متنوع‌تر است.
۵. پربسامدترین موضوع مطرح‌شده در نامه‌های عاشقانه از نظر تعداد ابیات «شرح حال زار عاشق» است، اما از نظر رواج موضوع در آثار مختلف «وصف یار» بسامد بالاتری دارد.
۶. اغلب نامه‌های عاشقانه علاوه بر بیان سوز و گداز عاشقانه طرفین مشتمل بر سخنان حکیمانه‌ای چون آمیختگی غم و شادی و سختی و آسایش در دنیا است.

منابع

۱. آسانا، جاماسب (گرد آورنده) (۱۳۷۱)، **متون پهلوی**، گزارش سعید عریان، چ. سوم، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی.
۲. امیرخسرو دهلوی، خسرو بن محمود (۱۳۶۲)، **خمسه**، تصحیح امیر احمد اشرفی، تهران: شقایق.
۳. باقری، مه‌ری (۱۳۸۰)، «ده‌نامه‌نویسی در ادبیات فارسی و ده‌نامه شاه شجاع»، **نامه انجمن**، ۱/۳، صص ۷۸-۸۸.
۴. _____ (۱۳۸۸)، **ده‌نامه روح‌العاشقین** (چشم‌اندازی بر وقایع عصر حافظ)، تهران: نشر قطره و هنوز.
۵. تفضلی، احمد (۱۳۷۸)، **تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام**، به کوشش ژاله آموزگار، تهران: سخن، چاپ سوم.
۶. جامی، عبدالرحمن بن احمد (۱۳۶۱)، **هفت اورنگ**، تصحیح آقا مرتضی مدرس گیلانی، چ. سوم، تهران: سعدی.
۷. خان‌محمدی، علی‌اکبر (۱۳۷۸)، «ده‌نامه‌سرایی یک نوع ادبی ناشناخته در زبان فارسی»، **گلچرخ**، ش ۲۱، اردیبهشت و خرداد، صص ۲۰-۱۷.
۸. خراسانی، محبوبه (۱۳۸۹)، «تحلیل ساختاری-تطبیقی ده‌نامه‌های ادب فارسی، **مجله پژوهش‌های ادبی**، ش. ۲۸، صص ۳۷-۶.
۹. _____ (۱۳۹۰)، «تحلیل ده‌نامه‌های ادب فارسی از دیدگاه انواع ادبی»، **مجله متن‌پژوهی ادبی** (دانشگاه علامه طباطبایی)، ش. ۵، صص ۳۶-۹.
۱۰. خواجوی کرمانی، محمود بن علی (۱۳۷۹)، **همای و همایون**، تصحیح کمال عینی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۱. دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۴۰)، **فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران**، تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. _____ (۱۳۷۷)، **سیر نامه‌نگاری در ادبیات فارسی**، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۳. رزمجو، حسین (۱۳۷۴)، **انواع ادبی**، چ. سوم، مشهد: آستان قدس.
۱۴. رستگار فسایی، منصور (۱۳۷۲)، **انواع شعر فارسی**، شیراز: نوید.
۱۵. سلمان ساوجی، سلمان بن احمد (۱۳۴۸)، **جمشید و خورشید**، به اهتمام ج. پ. آسموسن و فریدون وهمن، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۶. صالحی، نصرالله (۱۳۸۰)، «کتابشناسی توصیفی منشآت، مکاتبات و نامه‌ها»، **کتاب ماه تاریخ و جغرافیا**، دی و بهمن، صص ۵۵-۱۵۲.
۱۷. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۵۲)، **تاریخ ادبیات در ایران**، تهران: دانشگاه تهران.
۱۸. _____ (۱۳۶۷)، **تاریخ ادبیات ایران**، چ. دوم، تهران: فردوسی.
۱۹. فتاحی نیشابوری، یحیی سبیک (۱۳۶۳)، **دستور عشاق**، به اهتمام ر. س. گرین شیلدز، چ. دوم، تهران: وحید.
۲۰. فخرالدین اسعد گرگانی (۱۳۳۷)، **ویس و رامین**، به اهتمام محمدجعفر محجوب، تهران: اندیشه.
۲۱. کریستین سن، آرتور (۱۳۸۴)، **ایران در زمان ساسانیان**، ترجمه رشید یاسمی، چ. چهارم، تهران: صدای معاصر.
۲۲. مدبری، محمود (۱۳۶۴)، **فرهنگ کتابهای فارسی**، تهران: ویس.
۲۳. مکتبی شیرازی، محمد (۱۳۷۳)، **لیلی و مجنون**، تصحیح جوهره بیک نظری، تهران: مرکز مطالعات ایرانی.
۲۴. منزوی، احمد (۱۳۶۵)، **فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان**، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
۲۵. نظامی، یاس بن یوسف (۱۳۷۴)، **لیلی و مجنون**، تصحیح برات زنجانی، تهران: دانشگاه تهران.

۲۶. _____ (۱۳۸۴)، خسرو و شیرین، تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، چ.

ششم، تهران: قطره.

۲۷. وحشی بافقی، کمال الدین محمد (۱۳۴۳)، دیوان، ویراسته حسین نخعی، تهران: امیرکبیر.

۲۸. هاتفی، عبدالله بن محمد (۱۹۷۷)، شیرین و خسرو، به کوشش سعدالله اسدالله‌یف، مسکو: انتشارات شعبه خاور میانه.